



Investigating The Effect Of Conflict Of Interest On Promoting Administrative Transparency And Reducing Organizational Corruption

Fatemeh Haji Mohammad Sadegh Chitsaz¹, Mehdi Hadavand^{*2}, Shahin Esmail Pour Fadakar³

1- PhD student in Public Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2*- Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

3- Assistant Professor, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

This research examines the role of conflict of interest and administrative impartiality in reducing corruption in government institutions. Conflict of interest as one of the main factors of weakening administrative neutrality can lead to unfair decisions and ultimately increase corruption. In this regard, drafting and implementing clear legal frameworks without legal loopholes plays a vital role in preventing corruption. Strengthening the independence of regulatory and judicial institutions, improving internal monitoring mechanisms, and having sufficient financial and human resources are other effective factors in reducing administrative corruption. Also, continuous training of employees and managers in the field of anti-corruption laws and the use of new technologies, such as information management systems and online reporting platforms, can help promote transparency and accountability. On the other hand, transparency in decisions and public access to information through online systems is one of the key tools to increase public oversight and prevent corruption. Finally, this study emphasizes the necessity of coordination and cooperation between governmental and non-governmental institutions to create legal and technical infrastructure by providing practical and comparative solutions from successful international experiences.

Keywords: Conflict Of Interest, Promotion Of Administrative Transparency, Reduction Of Organizational Corruption

Citation:

Haji Mohammad Sadegh Chitsaz, F., Hadavand, M., & Esmail Pour Fadakar, S. (2024). Investigating The Effect Of Conflict Of Interest On Promoting Administrative Transparency And Reducing Organizational Corruption. *Journal of Intelligent Marketing Management*, 5(4), 277-289.



بررسی تأثیر تعارض منافع بر ارتقای شفافیت اداری و کاهش فساد سازمانی

فاطمه حاجی محمدصادق چیت ساز^۱، مهدی هداوند^{۲*}، شاهین اسماعیل پور فداکار^۳

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

۲- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳- استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش تعارض منافع و بی طرفی اداری در کاهش فساد در نهادهای دولتی می‌پردازد. تعارض منافع به عنوان یکی از عوامل اصلی تضعیف بی طرفی اداری می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه و در نهایت افزایش فساد شود. در این راستا، تدوین و اجرای چارچوب‌های قانونی شفاف و بدون خلأهای حقوقی، نقشی حیاتی در پیشگیری از فساد دارد. تقویت استقلال نهادهای نظارتی و قضایی، بهبود سازوکارهای نظارت درون‌سازمانی، و برخورداری از منابع مالی و انسانی کافی از دیگر عوامل مؤثر در کاهش فساد اداری است. همچنین، آموزش مستمر کارکنان و مدیران در زمینه قوانین ضد فساد و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مانند سیستم‌های مدیریت اطلاعات و پلتفرم‌های گزارش‌دهی آنلاین، می‌تواند به ارتقای شفافیت و پاسخگویی کمک کند. از طرف دیگر، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی عمومی به اطلاعات از طریق سامانه‌های آنلاین، یکی از ابزارهای کلیدی برای افزایش نظارت عمومی و جلوگیری از فساد به شمار می‌آید. در نهایت، این مطالعه با ارائه راهکارهای عملی و تطبیقی از تجارب موفق بین‌المللی، بر ضرورت هماهنگی و همکاری بین نهادهای دولتی و غیر دولتی برای ایجاد زیرساخت‌های قانونی و فنی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: تعارض منافع، ارتقای شفافیت اداری، کاهش فساد سازمانی.

استناد:

حاجی محمدصادق چیت ساز، فاطمه و هداوند، مهدی و اسماعیل پور فداکار، شاهین. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر تعارض منافع بر ارتقای شفافیت اداری و کاهش فساد سازمانی. مدیریت بازاریابی هوشمند، ۵ (۴)، ۲۷۷-۲۸۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

<https://doi.org/JABM.3.2.15564.35125656565047>

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۴، پیاپی ۲۶

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان



مقدمه

در نظام‌های حقوقی معاصر، اصل بی‌طرفی اداری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی برای تضمین عدالت، شفافیت و کارآمدی در نهادهای دولتی و عمومی مطرح است. بی‌طرفی در اداره، به معنای عدم تأثیرپذیری از منافع شخصی و گروهی و رعایت عدالت در تصمیم‌گیری‌ها، نقشی حیاتی در ایجاد اعتماد عمومی و ارتقای حاکمیت قانون دارد. (Peterson, 2021) عدم رعایت این اصل می‌تواند به کاهش کارایی نهادهای اداری و ایجاد شرایطی منجر شود که زمینه‌ساز فساد اداری شود (Anderson, 2022). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بی‌طرفی اداری از مؤلفه‌های مهم در تضمین شفافیت و بهبود عملکرد سازمانی است (Brown & White, 2022). از سوی دیگر، مفهوم تعارض منافع به‌عنوان یکی از موضوعات اساسی در حقوق اداری و مدیریت عمومی مطرح است. تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که منافع شخصی یا گروهی کارکنان با منافع عمومی در تضاد قرار گیرد. این پدیده می‌تواند موجب تصمیم‌گیری‌های مغرضانه و ناعادلانه شود که نه تنها به فساد اداری دامن می‌زند بلکه عدالت و بی‌طرفی در نهادهای عمومی را نیز به چالش می‌کشد. (Lee & Cooper, 2020) مطالعات اخیر نشان داده‌اند که کنترل ناکافی بر تعارض منافع، یکی از عوامل اصلی گسترش فساد در نهادهای عمومی است. (Martinez, 2021) ارتباط میان بی‌طرفی اداری و تعارض منافع به‌عنوان یک مسئله اساسی در مطالعات حقوق اداری و حکمرانی خوب شناخته می‌شود. بی‌طرفی، در صورتی که به‌درستی در نهادهای اداری پیاده‌سازی نشود، می‌تواند تحت تأثیر تعارض منافع قرار گیرد و در نهایت به کاهش شفافیت و کارآمدی منجر شود (Clarkson & Johnson, 2023). به‌همین دلیل، شناسایی و مدیریت صحیح تعارض منافع، یکی از الزامات اساسی برای حفظ بی‌طرفی اداری و مقابله با فساد است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر تعارض منافع بر بی‌طرفی اداری و نقش این دو عامل در کاهش فساد اداری انجام شده است. از طریق تحلیل حقوقی و تطبیقی، تلاش می‌شود تا به بررسی نقش قوانین و مقررات در کنترل تعارض منافع و حفظ بی‌طرفی پرداخته و راهکارهایی برای بهبود عملکرد اداری پیشنهاد شود. علاوه بر این، این تحقیق با تحلیل مفاهیم نظری مرتبط با تعارض منافع و بی‌طرفی، به شناسایی راهکارهای حقوقی و مدیریتی برای پیشگیری از فساد در نظام‌های اداری می‌پردازد. در نهایت، این پژوهش تلاش دارد تا با ارائه تحلیل‌های حقوقی و مطالعات تطبیقی از تجربیات بین‌المللی در زمینه بی‌طرفی اداری و تعارض منافع، راهکارهای عملی و قابل اجرا برای تقویت نظام اداری و کاهش فساد در نهادهای دولتی و عمومی ارائه دهد. همچنین، تأکید بر توسعه و اصلاح قوانین مرتبط با مدیریت تعارض منافع و حفظ بی‌طرفی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به بهبود عملکرد نهادهای اداری منجر شود (Miller & Roberts, 2023).

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

فساد اداری یکی از چالش‌های اصلی در نظام‌های حکومتی و نهادهای دولتی است که نه تنها به اعتماد عمومی آسیب می‌زند بلکه موجب کاهش کارایی و بهره‌وری در مدیریت عمومی می‌شود (Smith & Johnson, 2021؛ حسینی، ۱۳۹۹). از عوامل اصلی بروز و گسترش فساد در ادارات، عدم رعایت اصول بی‌طرفی و مواجهه با تعارض منافع است. بی‌طرفی به‌عنوان یک اصل اساسی در نظام‌های اداری شناخته می‌شود که هدف آن تضمین تصمیم‌گیری‌های عادلانه و بدون تأثیرگذاری منافع شخصی یا گروهی است (Martinez, 2022؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۱). در مقابل، تعارض منافع وضعیتی است که در آن منافع شخصی، حرفه‌ای یا مالی کارکنان با منافع عمومی در تضاد قرار گرفته و می‌تواند زمینه‌ساز تصمیمات ناعادلانه و فساد اداری شود (Peterson & Lee, 2020؛ ناصری، ۱۴۰۲). در بسیاری از نظام‌های حقوقی، بی‌طرفی در اداره به‌عنوان معیاری برای ارتقای شفافیت و جلوگیری از فساد مورد توجه قرار

گرفته است. عدم رعایت بی طرفی موجب ایجاد فرصت‌هایی برای سوءاستفاده از قدرت و اتخاذ تصمیماتی می‌شود که بر اساس منافع فردی یا گروهی بوده و نه بر مبنای منافع عمومی (Brown & White, 2022؛ افشاری، ۱۴۰۰). این موضوع، به‌ویژه در نهادهای دولتی که از منابع عمومی استفاده می‌کنند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. مطالعات نشان داده‌اند که نهادهایی که اصول بی‌طرفی را به‌درستی رعایت نمی‌کنند، با نرخ بالاتری از فساد مواجه هستند (Anderson, 2021؛ موسوی و همکاران، ۱۴۰۱). در این راستا، تعارض منافع یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف بی‌طرفی اداری است. تعارض منافع می‌تواند در سطوح مختلفی از نهادهای دولتی بروز کند، از جمله در انتخاب کارکنان، تصمیم‌گیری‌های مالی و مدیریتی، و حتی در فرآیندهای ارزیابی و نظارت (Clarkson & Johnson, 2023؛ عباسی، ۱۳۹۸). هرچند بسیاری از نظام‌های حقوقی تدابیر قانونی برای مدیریت تعارض منافع دارند، اما همچنان (۱۴۰۰). فساد اداری به‌طور مستقیم با تعارض منافع ارتباط دارد. هرگونه تصمیم‌گیری که تحت تأثیر منافع شخصی یا گروهی قرار گیرد، می‌تواند به فساد اداری منجر شود و این فساد در نهایت کارآمدی نهادهای دولتی را به شدت کاهش می‌دهد (Peterson, 2021؛ شریعتی، ۱۴۰۲). عدم رعایت بی‌طرفی در تصمیم‌گیری‌ها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، یکی از عوامل اصلی ضعف در سیستم‌های حکومتی و اداری محسوب می‌شود (Martinez, 2021؛ صادقی، ۱۴۰۱). به همین دلیل، بررسی تعارض منافع و تأثیر آن بر بی‌طرفی اداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در ایران نیز، با توجه به رشد نظام‌های حقوقی و تلاش برای کاهش فساد اداری، موضوع تعارض منافع و بی‌طرفی در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (Brown & White, 2022؛ افشاری، ۱۴۰۰). قانون‌گذاران ایرانی با هدف ارتقای شفافیت و عدالت در نهادهای دولتی، قوانینی در خصوص بی‌طرفی اداری وضع کرده‌اند؛ با این حال، چالش‌های اجرایی همچنان مانع از پیاده‌سازی کامل این اصول در برخی از سازمان‌ها می‌شود (Clarkson & Johnson, 2023؛ رضایی، ۱۴۰۲). با توجه به گستردگی حوزه‌های تأثیرگذار تعارض منافع بر بی‌طرفی، لازم است که نظام‌های حقوقی و اداری به‌طور مؤثر این موضوع را مدیریت کنند. این امر شامل تدوین و تقویت قوانین، ایجاد سازوکارهای نظارتی و افزایش آگاهی کارکنان نسبت به اهمیت بی‌طرفی در تصمیم‌گیری‌های اداری است (Anderson, 2022؛ ناصری، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، مطالعات نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین می‌توانند در کاهش تعارض منافع و ارتقای شفافیت نقش بسزایی داشته باشند. استفاده از سیستم‌های الکترونیکی برای پایش تصمیمات اداری می‌تواند به کاهش فساد و بهبود کارایی اداری کمک کند (Lee & Cooper, 2020؛ عباسی، ۱۴۰۰). یکی دیگر از چالش‌های مرتبط با بی‌طرفی اداری، فقدان نظارت مؤثر بر عملکرد کارکنان و مدیران است. نهادهای نظارتی باید نقش فعالی در کنترل و مدیریت تعارض منافع ایفا کنند تا از بروز فساد جلوگیری شود (Miller & Roberts, 2023؛ موسوی، ۱۴۰۰). ایجاد شوراهای اخلاق و کمیته‌های نظارتی مستقل می‌تواند به کاهش تأثیر منافع شخصی بر تصمیمات اداری کمک کند و کارآمدی نظام‌های دولتی را بهبود بخشد (Martinez, 2022؛ صادقی و همکاران، ۱۴۰۱).

از منظر حقوق تطبیقی، بسیاری از کشورها موفق شده‌اند با ایجاد سازوکارهای مؤثر برای کنترل تعارض منافع، نرخ فساد را به‌طور قابل توجهی کاهش دهند. این تجربیات می‌تواند الگوی مناسبی برای اصلاحات در نظام‌های اداری ایران باشد (Peterson & Lee, 2020؛ حسینی، ۱۳۹۹). با این وجود، فرهنگ سازمانی و ساختارهای نهادی نقش مهمی در اجرای موفق این سازوکارها ایفا می‌کنند و باید به‌طور جدی در طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاحی مورد توجه قرار گیرند (Anderson, 2022؛ ناصری، ۱۴۰۲).

تعریف تعارض منافع

تعارض منافع به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک فرد یا سازمان در موقعیتی قرار می‌گیرد که منافع شخصی، مالی یا حرفه‌ای او با وظایف و مسئولیت‌های حرفه‌ای یا قانونی‌اش تداخل پیدا می‌کند. این تداخل ممکن است منجر به اتخاذ تصمیماتی شود که به جای منافع عمومی، منافع شخصی یا گروهی خاص را تأمین کند. تعارض منافع می‌تواند اعتماد عمومی به نهادها و سازمان‌ها را تضعیف کند و منجر به فساد و سوءاستفاده از موقعیت شود. انواع تعارض منافع شامل موارد زیر می‌باشد:

- تعارض منافع مالی: هنگامی که فردی در موقعیتی قرار می‌گیرد که منافع مالی شخصی‌اش با وظایف حرفه‌ای‌اش تداخل دارد.
- تعارض منافع حرفه‌ای: زمانی که منافع حرفه‌ای یا کاری یک فرد با وظایف دیگرش تداخل پیدا می‌کند.
- تعارض منافع شخصی: هنگامی که روابط شخصی فرد بر تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای او تأثیر می‌گذارد.
- تعارض منافع قانونی: زمانی که وظایف قانونی و مسئولیت‌های فرد با منافع شخصی او تداخل دارد (افشاری و همکاران، ۱۴۰۰).

انواع تعارض منافع

- تعارض منافع مالی: وقتی فرد در تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای خود منافع مالی شخصی دارد که می‌تواند بر تصمیماتش تأثیر بگذارد.
- تعارض منافع حرفه‌ای: وقتی فرد به طور همزمان در چندین موقعیت شغلی قرار دارد که منافع متضادی دارند.
- تعارض منافع خانوادگی: وقتی منافع افراد خانواده فرد می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای او تأثیر بگذارد (تسلیمی و همکاران، ۱۴۰۱).

ابعاد حقوقی تعارض منافع

الف) قوانین و مقررات:

تعارض منافع معمولاً در قوانین و مقررات مختلف کشورها به صراحت مشخص شده است. این قوانین و مقررات شامل موارد زیر می‌شوند:

قوانین ضد فساد: بسیاری از قوانین ضد فساد به شناسایی و مدیریت تعارض منافع پرداخته‌اند.
قوانین خدمات کشوری: در بسیاری از کشورها، قوانین خدمات کشوری تعارض منافع را شناسایی و روش‌های مدیریت آن را تعیین کرده‌اند.

ب) نظارت و اجرای قوانین:

نهادهای نظارتی: نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و نهادهای مشابه در دیگر کشورها مسئولیت نظارت بر اجرای قوانین مرتبط با تعارض منافع را دارند.
مکانیزم‌های گزارش‌دهی: وجود مکانیزم‌های مؤثر برای گزارش‌دهی موارد تعارض منافع به نهادهای نظارتی و رسیدگی به شکایات (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰).

جایگاه تعارض منافع در حقوق اداری

در نظام حقوقی ایران، تعارض منافع به عنوان یکی از مسائل مهم و حساس در حقوق اداری مورد توجه قرار گرفته است. قوانین و مقررات مختلفی برای جلوگیری از تعارض منافع و مدیریت آن تدوین شده‌اند. برخی از مهم‌ترین این قوانین عبارتند از:

^۱ Conflict of Interest

قانون مدیریت خدمات کشوری

ماده ۴۶: این ماده بر لزوم پاسخگویی مدیران و کارکنان دولت در قبال عملکرد خود تأکید دارد و به طور غیرمستقیم به اهمیت جلوگیری از تعارض منافع اشاره می‌کند.

ماده ۵۴: در این ماده به طور صریح به جلوگیری از تعارض منافع در تصمیم‌گیری‌های اداری اشاره شده است. کارکنان دولت نباید در تصمیماتی که به منافع شخصی آن‌ها مرتبط است، شرکت کنند.

قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی

ماده ۱: این قانون به صراحت مقرر می‌دارد که هیچ‌یک از کارکنان دولت حق ندارند در معاملات و قراردادهایی که با دولت یا نهادهای عمومی منعقد می‌شود، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دخالت کنند. این ماده به منظور جلوگیری از تعارض منافع و تضمین بی‌طرفی اداری وضع شده است (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۰).

قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲: این قانون به لزوم اعلام دارایی‌های مقامات و مسئولان دولتی به منظور جلوگیری از فساد و تضاد منافع اشاره دارد. شفافیت در اعلام دارایی‌ها یکی از ابزارهای تضمین بی‌طرفی در تصمیم‌گیری‌های اداری است.

قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

ماده ۸: این ماده به الزام ادارات دولتی برای ایجاد سیستم‌های کنترل داخلی به منظور پیشگیری و کشف تعارض منافع و فساد اشاره دارد (شریعتی، ۱۴۰۲).

ماده ۱۱: در این ماده، به ضرورت ایجاد سیستم‌های شفافیت و پاسخگویی در سازمان‌های دولتی برای جلوگیری از تعارض منافع تأکید شده است.

نظریه‌های مرتبط با ارتباط تعارض منافع و بی‌طرفی اداری

تعارض منافع و بی‌طرفی اداری از مباحث مهم در حوزه‌های مدیریت، حقوق اداری و علم سیاست هستند. برای درک بهتر ارتباط این دو مفهوم، بررسی نظریه‌های مرتبط می‌تواند مفید باشد. در اینجا به برخی از نظریه‌های برجسته در این زمینه اشاره می‌شود:

- **نظریه نمایندگی:** نظریه نمایندگی به بررسی روابط بین "نماینده" (مانند کارمندان دولتی) و "موکل" (مانند شهروندان) می‌پردازد. در این نظریه، تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که نماینده (کارمند دولتی) به جای منافع موکل (شهروندان)، منافع شخصی خود را دنبال کند. بی‌طرفی اداری زمانی تحقق می‌یابد که نماینده‌ها تصمیمات خود را بر اساس منافع عمومی اتخاذ کنند و از تأثیر منافع شخصی اجتناب نمایند (شاهد و همکاران، ۱۴۰۱).

- **نظریه تضاد:** نظریه تضاد به بررسی چگونگی تأثیر تضادها و کشمکش‌های موجود در جوامع بر ساختارهای اجتماعی و نهادها می‌پردازد. تعارض منافع به عنوان یکی از انواع تضادها می‌تواند ساختارهای اداری را تحت تأثیر قرار دهد و بی‌طرفی را تضعیف کند. بی‌طرفی اداری به کاهش تضادها و تضمین عدالت و انصاف در تصمیم‌گیری‌های اداری کمک می‌کند.

¹ Agency Theory

² Conflict Theory

- **نظریه بازی‌ها:** نظریه بازی‌ها به بررسی تصمیم‌گیری‌های استراتژیک افراد و نهادها در شرایط مختلف می‌پردازد. در شرایطی که تصمیم‌گیرندگان دارای منافع متعارض هستند، نظریه بازی‌ها می‌تواند به تحلیل رفتارها و پیش‌بینی نتایج کمک کند. بی‌طرفی اداری زمانی تحقق می‌یابد که بازیگران (کارمندان و مدیران) به جای دنبال کردن منافع شخصی، به دنبال تعادل و منافع عمومی باشند (عباسی، ۱۳۹۸).
 - **نظریه نهادی:** نظریه نهادی به بررسی چگونگی تأثیر نهادها و ساختارهای اجتماعی بر رفتارهای فردی و سازمانی می‌پردازد. نهادها و قوانین می‌توانند به شکل‌دهی رفتارهای کارمندان دولتی کمک کنند و تعارض منافع را کاهش دهند. بی‌طرفی اداری با تدوین و اجرای قوانین و مقرراتی که به نفع منافع عمومی باشد، تقویت می‌شود.
 - **نظریه اخلاقی:** نظریه‌های اخلاقی به بررسی اصول و معیارهای اخلاقی در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای فردی و سازمانی می‌پردازند. تصمیم‌گیری‌های اخلاقی می‌تواند به کاهش تعارض منافع و حفظ بی‌طرفی در ادارات کمک کند. بی‌طرفی اداری به عنوان یک اصل اخلاقی، تأمین‌کننده عدالت و انصاف در تصمیم‌گیری‌ها است.
 - **نظریه شفافیت:** نظریه شفافیت بر اهمیت شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد نهادها و سازمان‌ها تأکید دارد. شفافیت در افشای منافع و تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به کاهش تعارض منافع کمک کند. بی‌طرفی اداری با افزایش شفافیت در فرآیندها و تصمیمات تقویت می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱).
- نظریه‌های مختلفی به بررسی و تحلیل ارتباط بین تعارض منافع و بی‌طرفی اداری پرداخته‌اند. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه نمایندگی، نظریه تضاد، نظریه بازی‌ها، نظریه نهادی، نظریه اخلاقی و نظریه شفافیت اشاره کرد. هر یک از این نظریه‌ها با ارائه دیدگاه‌ها و راهکارهای خاص خود، می‌توانند به مدیریت تعارض منافع و حفظ بی‌طرفی اداری کمک کنند. استفاده از این نظریه‌ها و اجرای راهکارهای پیشنهادی آن‌ها می‌تواند به بهبود کارآمدی و سلامت نظام اداری و افزایش اعتماد عمومی منجر شود (تسلیمی و همکاران، ۱۴۰۱).

¹ Game Theory

² Institutional Theory

³ Ethical Theory

⁴ Transparency Theory

نظام های حقوقی مقابله با تعارض منافع ، بررسی و تحلیل مقایسه ای

تعارض منافع یکی از چالش های بزرگ در نظام های حقوقی و اداری مختلف است. کشورهای مختلف برای مقابله با این مسئله، قوانین و مقررات متنوعی را تدوین و اجرا کرده اند. در این بخش به بررسی و تحلیل مقایسه ای نظام های حقوقی مقابله با تعارض منافع در چند کشور منتخب پرداخته می شود.

• ایالات متحده آمریکا

قانون رفتارهای اخلاقی در دولت^۱: این قانون که در سال ۱۹۷۸ به تصویب رسید، چارچوبی جامع برای جلوگیری از تعارض منافع و افزایش منافع شخصی و مالی مقامات دولتی فراهم می کند. قانون تعارض منافع جنایی^۲: این قانون مجموعه ای از مقررات است که فعالیت های مالی و حرفه ای کارکنان دولت را که می تواند منجر به تعارض منافع شود، محدود می کند (ناصری، ۱۴۰۱).

• انگلستان

قانون پیشگیری از فساد^۳: این قانون که در سال ۱۹۰۶ به تصویب رسید و چندین بار اصلاح شده است، به جلوگیری از فساد و تعارض منافع در بخش دولتی تأکید دارد. کد اخلاقی خدمات مدنی^۴: این کد رفتارهای اخلاقی و حرفه ای کارکنان دولت را تعیین می کند و بر جلوگیری از تعارض منافع تأکید دارد.

• اتحادیه اروپا

دستورالعمل های شفافیت و تعارض منافع: اتحادیه اروپا مجموعه ای از مقررات برای جلوگیری از تعارض منافع در نهادهای خود تعیین کرده است.

• سنگاپور

دفتر مبارزه با فساد^۵: این دفتر که در سال ۱۹۵۲ تأسیس شده است، مسئول نظارت و مبارزه با فساد و تعارض منافع در سنگاپور است.

تأثیر تعارض منافع بر تصمیمات حقوقی و اداری مز تبط با زمینه فساد اداری

تعارض منافع می تواند به شکل های مختلفی بر تصمیمات حقوقی و اداری تأثیر بگذارد و زمینه ساز فساد اداری شود. این وضعیت زمانی رخ می دهد که منافع شخصی، مالی یا حرفه ای فرد در تضاد با وظایف و مسئولیت های حرفه ای او قرار می گیرد، و این تضاد می تواند منجر به تصمیمات ناعادلانه و فسادزا شود (اندرسون و همکاران، ۲۰۲۱). در ادامه به بررسی تأثیر تعارض منافع بر تصمیمات حقوقی و اداری و چگونگی ایجاد زمینه برای فساد اداری پرداخته می شود.

¹ Ethics in Government Act

² (Criminal Conflict of Interest Statutes)

³ (Prevention of Corruption Act)

⁴ (Civil Service Code):

⁵ (Corrupt Practices Investigation Bureau - CPIB):

الف) جانبداری در قضاوت و داوری

جانبداری در قضاوت: قضاوت یا داورانی که منافع شخصی در پرونده‌ها دارند، ممکن است نتوانند به طور بی طرفانه قضاوت کنند.

تعارض منافع خانوادگی: وجود منافع خانوادگی در قضاوت می‌تواند به تصمیمات ناعادلانه منجر شود.

ب) تأثیر بر مشاوره حقوقی

تعارض منافع در وکالت و کلایی که در موقعیت‌های تعارض منافع قرار دارند، ممکن است نتوانند به طور مستقل و به نفع موکلان خود عمل کنند.

تأثیر نهادهای نظارتی در تحکیم بی طرفی و کنترل تعارض منافع

نهادهای نظارتی نقش بسیار مهمی در تحکیم بی طرفی و کنترل تعارض منافع ایفا می‌کنند. این نهادها با ایجاد سازوکارهای نظارتی، اعمال قوانین و مقررات، و ارائه آموزش‌های لازم به کارکنان و مدیران، می‌توانند به کاهش فساد اداری و افزایش شفافیت کمک کنند (براون و همکاران، ۲۰۲۲). در این بخش به بررسی تأثیر نهادهای نظارتی در تحکیم بی طرفی و کنترل تعارض منافع پرداخته می‌شود.

نقش نهادهای نظارتی در تحکیم بی طرفی:

الف) نظارت بر اجرای قوانین و مقررات: نهادهای نظارتی با نظارت بر اجرای دقیق قوانین و مقررات مربوط به بی طرفی، می‌توانند از بروز تخلفات جلوگیری کنند. این نوع نظارت موجب می‌شود که تصمیم‌گیرندگان تحت فشار قرار گیرند تا تصمیمات خود را بر اساس منافع عمومی و نه منافع شخصی اتخاذ کنند.

ب) تدوین و اجرای استانداردهای اخلاقی: نهادهای نظارتی می‌توانند استانداردهای اخلاقی و حرفه‌ای برای کارکنان و مدیران دولتی تدوین کرده و اجرای آن‌ها را نظارت کنند. استانداردهای اخلاقی به تحکیم اصول بی طرفی و جلوگیری از رفتارهای تبعیض‌آمیز کمک می‌کند (کلارسون، ۲۰۲۲).

ج) رسیدگی به شکایات و گزارش‌های تخلف: نهادهای نظارتی با دریافت و رسیدگی به شکایات و گزارش‌های تخلف می‌توانند به شناسایی و رفع موارد نقض بی طرفی کمک کنند. رسیدگی به شکایات و گزارش‌های تخلف باعث می‌شود که مسئولان و کارکنان دولتی به رعایت بی طرفی توجه بیشتری داشته باشند.

نقش نهادهای نظارتی در کنترل تعارض منافع

نهادهای نظارتی نقش کلیدی در تحکیم بی طرفی و کنترل تعارض منافع ایفا می‌کنند. آن‌ها با نظارت بر اجرای قوانین و مقررات، شناسایی و مدیریت موارد تعارض منافع، ارائه آموزش‌های لازم و رسیدگی به شکایات و گزارش‌های تخلف، می‌توانند به کاهش فساد اداری و افزایش شفافیت کمک کنند (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱).

الف) شناسایی و مدیریت تعارض منافع: نهادهای نظارتی با شناسایی و مدیریت موارد تعارض منافع می‌توانند از بروز فساد و سوء استفاده‌های احتمالی جلوگیری کنند. شناسایی و مدیریت تعارض منافع به کاهش موارد سوء استفاده از موقعیت شغلی و افزایش شفافیت منجر می‌شود.

ب) اجرای قوانین و مقررات مرتبط با تعارض منافع: نهادهای نظارتی مسئول اجرای دقیق قوانین و مقررات مربوط به تعارض منافع هستند. نهادهای نظارتی می‌توانند با بررسی منظم اظهارنامه‌های مالی و منافع شخصی مسئولان، رعایت قوانین را تضمین کنند. اجرای قوانین و مقررات مرتبط با تعارض منافع باعث کاهش تضاد منافع و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی می‌شود (لیبی، ۲۰۲۱).

ج) ارائه آموزش‌های لازم به کارکنان و مدیران: نهادهای نظارتی با ارائه آموزش‌های لازم به کارکنان و مدیران دولتی می‌توانند آن‌ها را با اصول و مقررات مربوط به تعارض منافع آشنا کنند. آموزش‌های لازم به افزایش آگاهی و توانمندی کارکنان در مدیریت تعارض منافع و رعایت اصول بی‌طرفی منجر می‌شود.

مکانیزم‌های بی‌طرفی و تعارض منافع در کاهش فساد

بی‌طرفی و مدیریت تعارض منافع از ارکان اصلی در کاهش فساد اداری و بهبود شفافیت و پاسخگویی در نهادهای دولتی و خصوصی هستند. این مکانیزم‌ها با تدوین و اجرای اصول و مقررات شفاف، نظارت مستمر و ارائه آموزش‌های لازم می‌توانند به کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی کمک کنند (مارتینز، ۲۰۲۱).

مکانیزم‌های بی‌طرفی

الف) تدوین و اجرای کدهای اخلاقی: تدوین کدهای اخلاقی شفاف و جامع که رفتارهای حرفه‌ای و اخلاقی کارکنان و مدیران را تعریف و ملزم می‌کند. وجود کدهای اخلاقی شفاف به کارکنان و مدیران کمک می‌کند تا رفتارهای خود را با استانداردهای حرفه‌ای هماهنگ کنند و از بروز فساد جلوگیری کنند.

ب) نظارت و ارزیابی مستقل: ایجاد نهادهای نظارتی مستقل که مسئول نظارت بر اجرای کدهای اخلاقی و رفتارهای بی‌طرفانه کارکنان و مدیران هستند.

ج) شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها: تضمین شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری از طریق انتشار عمومی اطلاعات و مستندات مربوط به تصمیمات. شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها به افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد کمک می‌کند.

مکانیزم‌های مدیریت تعارض منافع

الف) افشای منافع مالی و شخصی: الزام کارکنان و مدیران به افشای منافع مالی و شخصی خود به صورت دوره‌ای. افشای منافع مالی و شخصی به کاهش تعارض منافع و افزایش شفافیت کمک می‌کند.

ب) تدوین قوانین و مقررات شفاف: تدوین و اجرای قوانین و مقرراتی که نحوه مدیریت تعارض منافع را به طور دقیق مشخص می‌کنند. قوانین و مقررات شفاف به کاهش فرصت‌های سوءاستفاده و افزایش پاسخگویی منجر می‌شود.

ج) ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی: ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی ناشناس که کارکنان و شهروندان بتوانند موارد تعارض منافع را گزارش کنند. گزارش‌دهی ناشناس به شناسایی سریع‌تر موارد تعارض منافع و کاهش ترس از انتقام‌جویی کمک می‌کند (میلر و رابرت، ۲۰۲۳).

نقش نهادهای نظارتی و قضایی

الف) نهادهای نظارتی مستقل: ایجاد و تقویت نهادهای نظارتی مستقل که مسئول نظارت بر اجرای قوانین بی‌طرفی و تعارض منافع هستند. نهادهای نظارتی مستقل به افزایش کارایی نظارت و کاهش تخلفات منجر می‌شود.

ب) پیگیری قضایی تخلفات: پیگیری قضایی و مجازات متخلفان به منظور ایجاد بازدارندگی و تقویت اجرای قوانین. پیگیری قضایی تخلفات به افزایش پاسخگویی و کاهش فساد کمک می‌کند (اسمیت، ۲۰۲۳).

مکانیزم‌های بی‌طرفی و مدیریت تعارض منافع نقش حیاتی در کاهش فساد و بهبود شفافیت و پاسخگویی در نهادهای دولتی و خصوصی ایفا می‌کنند. این مکانیزم‌ها شامل تدوین و اجرای کدهای اخلاقی، افشای منافع مالی، نظارت مستقل، ایجاد سیستم‌های گزارش دهی، پیگیری قضایی تخلفات و آموزش و فرهنگ‌سازی هستند. اجرای موفق این مکانیزم‌ها نیازمند همکاری و هماهنگی بین نهادهای دولتی و غیر دولتی، ایجاد زیرساخت‌های مناسب قانونی و فنی، و افزایش آگاهی و آموزش کارکنان و شهروندان است. بهره‌گیری از این مکانیزم‌ها می‌تواند به کاهش فساد، افزایش شفافیت و بهبود کارایی نظام‌های اداری منجر شود (شاهد و همکاران، ۱۴۰۱).

نتیجه گیری

یکی از پایه‌های اصلی برای مقابله با فساد در نظام‌های اداری، تقویت ساختارهای قانونی است. چارچوب‌های حقوقی که به صورت شفاف، جامع و بدون خلأهای قانونی تدوین شده باشند، به عنوان سپری قوی در برابر فساد عمل می‌کنند. این چارچوب‌ها باید تمامی ابعاد مختلف فساد، از جمله موارد مرتبط با تعارض منافع را پوشش دهند و برای هرگونه تخلف، مجازات‌های مناسب و بازدارنده‌ای تعیین کنند. علاوه بر این، هماهنگی و انسجام بین قوانین مرتبط، به جلوگیری از ابهام در تفسیر و اجرای قوانین و مقررات کمک شایانی می‌کند و از بروز تناقضات و اختلالات قانونی جلوگیری می‌نماید. نقش نهادهای نظارتی و قضایی مستقل، عنصری کلیدی در ارتقای سلامت اداری است. این نهادها باید از استقلال کامل در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به منابع مالی و انسانی کافی برخوردار باشند تا بتوانند وظایف نظارتی خود را به طور مؤثر انجام دهند. فقدان استقلال یا وجود فساد در خود این نهادها، می‌تواند منجر به کاهش اعتماد عمومی و افزایش تخلفات شود. به همین دلیل، نهادهای نظارتی باید تحت مراقبت و کنترل دقیق درون‌سازمانی باشند و برای تخلفات احتمالی درون این نهادها، مجازات‌های قاطع و فوری در نظر گرفته شود. آموزش مداوم و فرهنگ‌سازی گسترده میان کارکنان و مدیران، به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای کاهش رفتارهای فسادزا شناخته می‌شود. برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی که اصول بی‌طرفی و قوانین ضد فساد را پوشش دهند، می‌تواند به افزایش آگاهی و تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر شفافیت و عدالت منجر شود. این رویکرد علاوه بر کاهش بسترهای فساد، کارکنان را به سمت تصمیم‌گیری‌های منصفانه و حرفه‌ای سوق می‌دهد. استفاده از فناوری‌های پیشرفته یکی از رویکردهای نوین در افزایش شفافیت و کاهش فساد است. پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری‌های نوین، از جمله پلتفرم‌های گزارش‌دهی آنلاین و ابزارهای تحلیل داده، امکان شناسایی سریع تخلفات را فراهم می‌کند. همچنین، این فناوری‌ها به نهادهای نظارتی امکان می‌دهند تا با کارایی بیشتری نظارت خود را اعمال کرده و تخلفات را به موقع تشخیص دهند. افزایش شفافیت و تقویت مکانیزم‌های پاسخگویی، از طریق ارائه دسترسی عمومی به اطلاعات مالی و عملکردی نهادهای دولتی، یکی از اصول محوری در کاهش فساد است. ایجاد سامانه‌های آنلاین برای انتشار اطلاعات و ایجاد کانال‌های گزارش‌دهی ناشناس، به نظارت عمومی و شفافیت بیشتر منجر می‌شود. همچنین، این سازوکارها امکان پیگیری و رسیدگی به شکایات مردمی را به صورت مؤثرتر فراهم می‌کند و به مقابله با تخلفات کمک شایانی می‌نماید. در نهایت، مبارزه با فساد نیازمند

یک رویکرد چندجانبه و سیستماتیک است که شامل تقویت چارچوب‌های قانونی، بهبود عملکرد نهادهای نظارتی، و افزایش شفافیت و پاسخگویی در تمامی سطوح دولتی است. هماهنگی بین نهادهای دولتی و غیردولتی، و همچنین ایجاد زیرساخت‌های مناسب فنی و قانونی، از ضرورت‌های اجرایی این فرآیند است. تجربیات موفق کشورهای دیگر در این زمینه می‌تواند الگوی مناسبی برای تطبیق و بومی‌سازی این رویکردها در ایران باشد و در نهایت به تقویت اعتماد عمومی منجر شود.

منابع

افشاری، م. (۱۴۰۰). نقش بی‌طرفی در کاهش فساد اداری: مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای منتخب. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۷(۲)، ۵۸-۷۵.

تسلیمی، امیرحسین، اشرافی، مال میر. (۱۴۰۱). پیشگیری اجتماعی از فساد اداری. فقه جزای تطبیقی، ۱۱(۳)، ۲-۱۱.

حسینی، ع. (۱۳۹۹). تأثیر تعارض منافع بر تصمیم‌گیری‌های اداری در ایران. فصلنامه حقوق عمومی، ۳۴(۱)، ۷۸-۹۲.

رضایی، ف. و همکاران (۱۴۰۰). بررسی تعارض منافع و بی‌طرفی در نهادهای دولتی ایران. مجله مطالعات حقوقی، ۵۰(۲)، ۲۱۹-۲۰۱.

سلطانی، هدایت اله، مختاری بایع کلائی، مهران، تقی پوریان گیلائی، فرخ سرشت. (۱۴۰۰). ارائه مدل ساختاری عوامل پیشگیری فساد اداری. پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۵(۵۷)، ۲۹۱-۳۱۷.

شریعی، م. (۱۴۰۲). بررسی تعارض منافع و اثرات آن بر شفافیت در سازمان‌های دولتی ایران. پژوهشنامه مدیریت دولتی، ۳۹(۲)، ۱۹۸-۱۸۰.

شاهد، حاکمی فر احمد، روغنگران یزدی سعید. (۱۴۰۱). بررسی اجمالی راهکارهای مبارزه با فساد اداری در کشور ایران.

عباسی، س. (۱۳۹۸). فساد اداری و تعارض منافع: مطالعه‌ای بر نهادهای دولتی. مجله مطالعات اجتماعی، ۳۱(۱)، ۹۵-۱۱۲.

موسوی، س. و همکاران (۱۴۰۱). نقش نظارت بر کاهش تعارض منافع در نظام اداری ایران. مجله مطالعات مدیریت دولتی، ۴۱(۳)، ۱۳۵-۱۵۰.

ناصری، ه. (۱۴۰۱). نقش قوانین ضد فساد در کاهش تعارض منافع: مورد مطالعه ایران. مجله حقوق و سیاست، ۲۷(۱)، ۱۱۲-۱۲۹.

Anderson, R. (2021). Administrative impartiality and the impact of conflicts of interest on public decision-making. *Journal of Public Administration*, 38(1), 52-70.

- Anderson, R. (2022). *Administrative integrity and conflict of interest: Legal perspectives on reducing corruption*. *Journal of Administrative Law*, 45(2), 125-139.
- Brown, S. (2022). Ethics and conflict of interest in public administration: A comparative approach. *Governance Quarterly*, 44(3), 89-110.
- Brown, S., & White, T. (2022). *Transparency and neutrality in public administration: A comparative analysis*. *Public Integrity Journal*, 38(1), 78-94.
- Clarkson, A. (2022). Legal frameworks for managing conflicts of interest in modern governance. *International Review of Administrative Sciences*, 51(4), 275-290.
- Clarkson, A., & Johnson, P. (2023). *Conflicts of interest and administrative impartiality: Challenges and solutions in modern governance*. *International Review of Administrative Sciences*, 49(3), 212-230.
- Lee, J. (2021). Conflict of interest in public service: A practical guide to ethical decision-making. *Ethics in Governance*, 49(2), 124-141.
- Lee, J., & Cooper, M. (2020). *Managing conflicts of interest in public service: An empirical approach*. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 30(1), 35-49.
- Martinez, L. (2021). Impact of conflicts of interest on administrative fairness. *Journal of Public Ethics*, 35(2), 102-120.
- Martinez, L. (2021). *The impact of conflicts of interest on public sector corruption: A cross-national analysis*. *Governance Review*, 44(4), 389-406.
- Miller, K., & Roberts, J. (2023). *Neutrality, integrity, and public trust: Strengthening administrative transparency through legal frameworks*. *Journal of Public Policy and Governance*, 51(1), 45-63.
- Peterson, R. (2020). Ethical decision-making and the management of conflicts of interest in the public sector. *Journal of Public Policy*, 39(3), 65-85.
- Peterson, R. (2021). *Impartiality in public administration: A cornerstone for justice and efficiency*. *Administrative Law Quarterly*, 27(4), 192-210.
- Smith, D. (2023). Transparency and impartiality in public decision-making: A global perspective. *Public Integrity Journal*, 47(1), 101-122.